



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 36, Issue 1, No.97, Spring 2025, pp 77-100

Received: 29.05.2024 Accepted: 05.01.2025

Research Paper

Sociological Explanation of the Impact of Power Structure in Family on Social Cynicism with Emphasis on the Moderating Role of Social Class (Case Study: Citizens Aged 18 years and Older in Isfahan)

Zahra Tork Ladani

Master of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

zahratork@yahoo.com

Hamid Dehghani*

Assistant professor in Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

h.dehghani@litr.ui.ac.ir

Vahid Ghasemi

Professor in Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

v.ghasemi@litr.ui.ac.ir

Introduction

Cynicism encompasses a coherent set of beliefs and expectations regarding human behavior, forming a crucial aspect of an individual's overall outlook on human nature. It is characterized by a pessimistic attitude toward the future and unrealistic expectations for oneself and others. Social cynicism, specifically, refers to the widespread belief that individuals and institutions cannot be trusted, suggesting that human nature and the social environment primarily yield negative outcomes. This cynical perspective is often accompanied by a defensive attitude toward others. Individuals who exhibit social cynicism tend to view self-interest as the primary motivator of human behavior, expressing skepticism about the sincerity, virtue, and altruism of others. Such an attitude can pose a significant threat to social cohesion. Studies conducted in Isfahan corroborate this notion, revealing a high level of social cynicism among its citizens. This study aimed to theoretically and empirically develop an analytical model that examined the influence of family power structures (independent variable) on social cynicism (dependent variable), with social class serving as a moderating variable. This issue was significant as it suggested that social cynicism might negatively impact interpersonal and social relationships among citizens. The theoretical framework for this study drew upon the theories of Dahrendorf, Turner, Collins, Kemper, and Weber.

Materials & Methods

This research employed a survey-based approach, targeting citizens aged 18 years and older in Isfahan. A combined two-stage cluster sampling method was utilized to select participants. Drawing on previous studies regarding the socioeconomic status of neighborhoods in Isfahan, these areas were categorized into 6 distinct class levels, each representing a cluster. From each cluster, 4 neighborhoods were chosen to ensure a comprehensive representation of the city and sampling was subsequently conducted within these selected neighborhoods. The sample size calculated using Sample Power software comprised 410 individuals. Variables were operationalized based on prior research, established theories, and interviews. Social cynicism was assessed at 4

levels: individual, interpersonal, group, and societal. The dimensions of family power structure included the nature of power relations, decision-making processes, and methods of exercising power. Meanwhile, social class was evaluated based on income, education, and occupational status. The validity of the questionnaire was established through both content and construct validity and its reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficient.

Discussion of Results & Conclusion

The findings revealed that 51.5% of respondents were female, while 48.5% were male. Additionally, 67.7% of participants were married and 32.3% were single. In terms of social class, 26.8% of them were identified as upper class,

* Corresponding author

Tork Ladani, Z., Dehghani, H., & Ghasemi, V. (2025). Sociological explanation of the impact of power structure in family on social cynicism with emphasis on the moderating role of social class (Case Study: Citizens Aged 18 years and Older in Isfahan). *Journal of Applied Sociology*, 36(1), 77-100. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.141655.2514>



37.6% as middle class, and 35.6% as lower class. The average score for social cynicism was 3.36, indicating a notable level of cynicism within the studied population. Specifically, the interpersonal level was scored approximately 3.4, while the institutional level reached around 4, reflecting the highest degree of cynicism at the institutional level.

Analysis of the family power structure indicated a preference for a patriarchal system, particularly evident in lower social classes. Furthermore, the results demonstrated a significant association between greater asymmetry in family power structures and elevated levels of social cynicism among family members.

When examining the relationship between family power structure and social cynicism across different social classes, it was found that in the middle and upper classes, increased family power asymmetry correlated with higher levels of social cynicism. Conversely, this relationship was not significant within the lower class, suggesting the influence of

additional factors on cynicism in this group. These factors might overshadow the impact of family power structure, even in families with relatively symmetrical dynamics. This suggested that the effect of family power structure on social cynicism was contingent on social class, thereby underscoring the moderating role of social class in this relationship.

Individuals from lower social classes, due to their subordinate position in the societal hierarchy, were more likely to experience diminished emotional energy and feelings of injustice and deprivation, which were aligned with cynicism. Consequently, even when family power structure was not taken into account, belonging to a lower class could heighten the likelihood of social cynicism, thereby reducing the significance of family power dynamics in this context.

Keywords: Cynicism, Social Cynicism, Social Class, Family Power Structure, Sociological Explanation.



مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدینی اجتماعی با تأکید بر نقش تعدیلگری طبقه اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان)

زهراترک لادانی، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

zahratork@yahoo.com

حمید دهقانی ، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

h.dehghani@ltr.ui.ac.ir

وحید قاسمی، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر تبیین نظری و تجربی مدل تحلیلی است که در آن تأثیر ساختار قدرت در خانواده به‌عنوان متغیر مستقل بر بدینی اجتماعی به‌عنوان متغیری وابسته با در نظر گرفتن طبقه اجتماعی به‌عنوان متغیر تعدیلگر بررسی شده است. چارچوب نظری این پژوهش با استفاده از نظریه‌های دارندورف، ترنر، کالینز، کمپر و نظریه منابع نگاشته شده است. جامعه آماری در این پژوهش، شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان بودند و حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار Sample Power ۴۱۰ نفر برآورد شد. روش تحقیق پیمایشی و شیوه نمونه‌گیری ترکیبی (خوشه‌ای دو مرحله‌ای-دردسترس) و ابزار سنجش پرسش‌نامه دارای اعتبار و قابلیت اعتماد بوده است. بدینی اجتماعی در ۴ بُعد فردی، بین فردی، گروهی و نهادی و متغیر ساختار قدرت در خانواده در سه بُعد حوزه قدرت، تصمیم‌گیری و شیوه اعمال قدرت و بُعد عینی طبقه اجتماعی با استفاده از نظریه وبر سنجش شده است. اعتبار استفاده‌شده در این مطالعه اعتبار محتوایی و سازه بوده است. برای سنجش قابلیت اعتماد پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آن برای بدینی اجتماعی ۰٫۸۶ و برای ساختار قدرت در خانواده ۰٫۸۴ به دست آمده است. نتایج این تحقیق نشان داد که ساختار قدرت در خانواده و طبقه اجتماعی در جامعه مطالعه‌شده تأثیر معناداری بر بدینی اجتماعی دارد و طبقه اجتماعی نقش تعدیلگری معناداری در رابطه ساختار قدرت در خانواده و بدینی اجتماعی دارد. **واژه‌های کلیدی:** بدینی اجتماعی، ساختار قدرت در خانواده، طبقه اجتماعی، حوزه قدرت در خانواده، تصمیم‌گیری و شیوه اعمال قدرت در خانواده

نویسنده مسؤول:

ترک لادانی، زهرا؛ دهقانی، حمید و قاسمی، وحید. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدینی اجتماعی با تأکید بر نقش تعدیلگری طبقه اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان). جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۶(۱)، ۷۷-۱۰۰. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.141655.2514>



مقدمه و بیان مسئله

بدبینی مفهومی است که توجه اندیشمندان مختلف را در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، مدیریت، فلسفه، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به خود جلب کرده است و اندیشمندان مختلف از دیدگاه‌های متفاوت عوامل و آثار این پدیده را بررسی کرده‌اند.

در بیشتر تعاریفی که از بدبینی ارائه شده این ویژگی را به‌عنوان خصلت فردی و روان‌شناختی معرفی نموده‌اند؛ برای مثال آکاری و ییلدریم^۱ (2017) بدبینی را ویژگی می‌دانند که در آن فرد، دیگران را دروغگو، خودخواه، بی‌علاقه و بی‌توجه در نظر می‌گیرد، به انگیزه‌های آنان تردید می‌کند، در روابط خود محتاط است و اعتماد به نفس ندارد، رفتار وی خصمانه و ظالمانه است و به خواسته‌های تحمیلی افراد تنفر دارد (Acaray & Yildirim, 2017 به نقل از ناستی‌زایی و رئیسی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

برخی تعاریف بدبینی را نوعی باور دانسته‌اند؛ برای مثال رایزمن بدبینی را مجموعه‌ای منسجم از باورها و انتظارات از رفتار مردم تعریف می‌کند که بخشی از چشم‌اندازهای کلی فرد به طبیعت بشر است. بر این مبنای بدبینی، نگرش بدبینانه فرد درباره آینده و انتظارات نامعقول برای خود و دیگران تعریف می‌شود (Raisman, 1992 به نقل از موسوی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). افراد بدبین بر این باورند که دیگران وانمود می‌کنند به دیگران اهمیت می‌دهند، درحالی‌که درواقع چنین نیست. آنها بر آن‌اند که دیگران سطح فکر پایینی دارند، خودخواه‌اند و برای اعتماد و وفاداری ارزش قائل نیستند (FitzGerald, 2002: 8). بدیهی است که وجود چنین نگرشی به جامعه می‌تواند تهدیدی به‌ویژه به‌لحاظ همبستگی اجتماعی باشد. به‌زعم استین ووردن^۲ (2016) بدبینی اجتماعی با بدبینی عمومی یا بدبینی شخصی که ویژگی فردی است و دارای معایب روانی و جسمی است، متفاوت است و درواقع نوعی نگرانی در بین شهروندان و اعتقاد به این است که جامعه آنها رو به زوال است (Steenvoorden, 2016). بدبینی در این معنا نه تنها به انتظار بدترین‌ها اشاره دارد، بلکه به موفق نشدن فرد در هر

آنچه برای آن تلاش می‌کند نیز مربوط می‌شود. لی و لیونگ^۳ (2012) بدبینی اجتماعی را یکی از ابعاد بدیهیات اجتماعی می‌دانند که به دیدگاه منفی به مردم، تعصب در برابر برخی گروه‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی به نهادهای اجتماعی و نادیده گرفتن روش‌های اخلاقی برای دستیابی به اهداف اشاره دارد. لیونگ و همکاران (2010) بدبینی اجتماعی را ویژگی‌ای تلقی می‌کنند که به این باور کلی اشاره دارد که به افراد، نهادها و دیگر امور نمی‌توان اعتماد کرد و حاکی از آن است که ماهیت انسان و دنیای اجتماعی نتایجی منفی به ارمغان می‌آورند. این نگرش بدبینانه با اضطراب و مواجهه تدافعی با مردم همراه است. آنها بر این اعتقادند افرادی که از لحاظ اجتماعی بدبین‌اند، از نظر اجتماعی کناره‌گیرند. مفهوم بدبینی اجتماعی دیدگاه افرادی را توصیف می‌کند که منافع فردی را عامل اصلی انگیزش رفتارهای انسانی می‌دانند و به خلوص نیت، فضیلت انسانی و نوع‌دوستی به‌عنوان انگیزاننده‌های انسانی اعتقادی ندارند (شکرریز، ۱۳۹۸).

یافته‌های تحقیق پیمایشی که در سطح ملی انجام شده است، نشان می‌دهد که به بی‌اعتمادی، نبود اعتماد به آینده و سیستم‌های اجتماعی و ترس نهادینه از خشم مقتدر و کینه بدخواهان و واهمه از دسیسه‌ها و ناپایداری‌ها به‌منزله مشکلات محوری خلیقات ایرانی توجه می‌شود (فراس‌خواه، ۱۳۹۵: ۲۱). نتایج حاصل از طرح ملی «سنجش سرمایه اجتماعی کشور» (۱۳۹۴) بیانگر آن است که اعتماد عمومی (قابل اعتماد دانستن دیگران) در استان اصفهان وضعیتی به مراتب نامطلوب‌تر از شاخص مربوط در کل کشور داشته است؛ برای مثال شاخص ارزیابی مثبت به منفی اعتماد عمومی برای کل کشور حدود ۶۰٫۵ است؛ درحالی‌که این شاخص برای اصفهان حدود ۳۸ به دست آمده است. در این پژوهش هرچند تأکید بر ناکافی بودن اعتماد عمومی در بین شهروندان اصفهانی شده است، به دلیل پیوستگی این متغیر با بدبینی اجتماعی قابل اعتنا است.

همچنین نتایج حاصل از طرح ملی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴) نشان داده است که به اعتقاد

^۱ Acaray & Yildirim

^۲ Steenvoorden

^۳ Li & Leung

حدود ۱۱ درصد از مردم اصفهان، ویژگی بدبینی به میزان زیاد و خیلی زیاد در بین افراد جامعه رواج دارد. این رقم در مقایسه با نتیجه به دست آمده در کل کشور (حدود ۵ درصد) تفاوت چشمگیری دارد.

همچنین مطالعه کیفی شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) در شهر اصفهان آینده‌هراسی و هراس‌های اقتصادی را به عنوان چالش‌های فرزندآوری مطرح کردند. آینده‌هراسی و هراس‌های اقتصادی مفاهیمی نزدیک با بدبینی اجتماعی هستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد بدبینی اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی به‌طور چشمگیری زیاد است و باتوجه به پیامدهای منفی بدبینی اجتماعی که ذکر آن در سطور پیشین رفت، این موضوع را می‌توان مسئله‌ای اجتماعی تلقی کرد که در صورتی که برای حل آن چاره‌ای اندیشیده نشود، می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی شود. یکی از راهکارهایی که می‌توان برای این مسئله متصور بود، انجام پژوهش‌های عمیق‌تر در این زمینه است. این موضوع بیشتر از این جهت اهمیت دارد که پژوهش‌های اندکی در این حوزه صورت گرفته است و تحقیقات صورت گرفته نیز کمتر به لحاظ جامعه‌شناختی این مسئله را مورد مذاقه قرار داده‌اند. اهمیت موضوع بدبینی از منظر جامعه‌شناختی از آن جهت است که این پدیده معلول برخی از متغیرهای اجتماعی است و نیز می‌تواند علت برخی از متغیرهای اجتماعی شود؛ به بیان دیگر، بدبینی ارتباط تنگاتنگی با بسیاری از متغیرهای اجتماعی دارد. در این زمینه دورکیم (۱۳۸۹) معتقد است در بحران‌های اقتصادی، امیال از تعادل خارج می‌شوند و جامعه قدرت نظارت و کنترل را از دست می‌دهد و به دنبال آن نارضایتی، احساس محرومیت، بدبینی و سرخوردگی و بحران‌های اجتماعی حادث می‌شود.

از آنجاکه بدبینی اجتماعی مجموعه‌ای از باورها و نگرش‌هاست، برای یافتن عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تشدید آن، ضرورت دارد عوامل مؤثر بر نگرش افراد در ارتباط با بدبینی بررسی شود و در این میان «خانواده» به عنوان گروه نخستین محل اعتناست. همان‌گونه که ساروخانی بیان می‌کند، روابط افراد در خانواده بر نگرش آنان تأثیرگذار است

(ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹: ۱۰۸). در تعریف رایج، خانواده براساس ساختار آن عبارت است از کلیه روابط بین اعضا؛ بنابراین، از آنجاکه قدرت در همه روابط متقابل بین افراد ساری و جاری است، بر شکل تصمیم‌گیری‌ها و انجام کارها در گروه خانواده نیز تأثیر می‌گذارد. قدرت، متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد، گروه و حتی روابط مرسوم بین افراد باید به آن توجه شود و خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست (گروسی، ۱۳۸۷). در نهاد خانواده همچون جامعه می‌توان نوعی تضاد طبقاتی را تشخیص داد. همان‌طور که در جامعه عده‌ای حاکم هستند و عده‌ای محکوم و فرمانبردار، در خانواده نیز گاهی شوهر یا زن در رأس امور قرار می‌گیرند. در چنین وضعیتی طرف دیگر مجبور به اطاعت از وی می‌شود (عسگری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۱)؛ بنابراین، جایگاه فرد در ساختار قدرت در خانواده می‌تواند بر احساسات، رفتارها، اندیشه‌ها و نگرش‌های افراد تأثیرگذار باشد؛ از این‌رو در این مقاله تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی بررسی می‌شود.

پیشتر گفته شد که به‌زعم دورکیم بحران‌های اقتصادی سرخوردگی و بدبینی در پی خواهد داشت؛ بنابراین، به نظر می‌رسد بدبینی اجتماعی می‌تواند از شرایط اقتصادی متأثر شود. از آنجاکه شرایط اقتصادی افراد با مفهوم طبقه اجتماعی پیوند خورده است و بنا به نظر سورنسن (۱۳۹۵) که مفهوم طبقه را می‌توان برای تحلیل چگونگی تغییر الگوهای نگرش، رفتار و جامعه‌پذیری برحسب جایگاه افراد در ساختار اجتماعی استفاده کرد، به بررسی رابطه بدبینی اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد می‌تواند توجه شود (سورنسن، ۱۳۹۵ به نقل از رایت، ۱۳۹۵).

تحقیقات متعدد حاکی از تفاوت ساختار قدرت در خانواده در طبقات اجتماعی مختلف است (بخشی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸)؛ مردانی و موحد (۱۳۹۵)؛ عسگری ندوشن و همکاران (۱۳۹۱). تفاوت در سبک زندگی خانواده‌ها در طبقات مختلف به قدری مشهود است که «پارسونز طبقه اجتماعی را به مجموعه‌ای از واحدهای خانوادگی اطلاق می‌کند که سطح زندگی برابر و سبک زندگی مشابهی دارند و

منظر جامعه‌شناسی بررسی کرده باشد. این مسئله تا جایی در این مطالعه نمایانگر بود که پژوهشگر ناچار از ذکر این مورد در محدودیت‌های تحقیق شد.

مطالعات خارجی در مقایسه با پژوهش‌های داخلی تمرکز بیشتری بر تحقیقات مرتبط با بدبینی اجتماعی داشته‌اند.

افشانی و کبریاپی (۱۳۹۹) بدبینی اجتماعی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن را در میان شهروندان شهر یزد بررسی کرده‌اند و نتایج حاصل از آن وجود ارتباط معنادار بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سرمایه اجتماعی، تیپ شخصیتی، احساس عدالت اجتماعی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و احساس محرومیت نسبی با بدبینی اجتماعی را نشان داده است. باوجود معرفی بدبینی اجتماعی به‌عنوان متغیر مطالعه‌شده در پژوهش مذکور، گویه‌های استفاده‌شده برای سنجش این متغیر حاکی از آن است که بدبینی روان‌شناختی در ارتباط با متغیرهای روان‌شناختی (تیپ شخصیتی) و جامعه‌شناختی (دینداری، رسانه و...) بررسی شده است.

شکرریز و همکاران (۱۳۹۸) به‌منظور طراحی الگوی بدبینی سازمانی دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور شهرستان کاشان، شش دسته عوامل شامل شرایط علی، پدیده مرکزی، راهبردها، پیامدها و عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای را برای ارائه الگوی بدبینی سازمانی به روش داده‌بنیاد به دست آوردند. شرایط علی شامل سه دسته عوامل عمده شخصیتی، عوامل شغلی و عوامل سازمانی بود و تزلزل شخصیتی بیشترین بار عاملی را در این دسته عوامل دارا بود. در پدیده مرکزی عوامل فردی، شغلی، سازمانی به‌عنوان عوامل اصلی شناسایی شدند که از بین آنها عوامل فردی مؤثرترین عوامل بوده است و بین عوامل زمینه تعارض سازمانی بیشترین تأثیر را داشته است. امیرتیموری و منظری (۱۳۸۸) در مطالعه رابطه بین خوشبینی و بدبینی و رضایت از زندگی بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر رابر دریافتند که بین میزان رضایت از زندگی و خوشبینی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین میزان رضایت از زندگی در زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار است و بین بدبینی با سلامت روان و ابعاد آن (نشانه‌های بدنی، اضطراب،

از فرصت‌های برابری برای آموزش فرزندان‌شان تا سطح معینی برخوردارند» (خادمیان، ۱۳۸۷: ۷۹).

همان‌گونه که گفته شد، ساختار قدرت در خانواده می‌تواند بر بدبینی اجتماعی مؤثر باشد و از آنجاکه به نظر می‌رسد ساختار قدرت در خانواده در طبقات اجتماعی متفاوت است، طبقه اجتماعی می‌تواند بر رابطه بدبینی اجتماعی و ساختار قدرت در خانواده تأثیرگذار باشد و بنابراین نقش تعدیلگر در این رابطه داشته باشد.

دهقانی (۱۳۹۸) اذعان داشته است که صنعتی‌شدن افسارگسیخته اصفهان و شهرنشینی بدون شهرگرایی و توسعه پایدار باعث ایجاد محله‌هایی با آسیب اجتماعی زیاد و احساس ناامنی شده است که فقر و بیکاری در این مناطق نیز بر شکاف طبقاتی در شهر اصفهان افزوده است. شکاف طبقاتی در شهر اصفهان و تأثیر طبقه بر سبک زندگی و نگرش افراد، میزان بیشتر بدبینی اجتماعی نسبت به کل کشور ایجاب می‌کند که در پژوهش حاضر نقش طبقه اجتماعی در تأثیر ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی لحاظ شود. در این نوشتار تلاش شده است تا حد امکان چگونگی این روابط ترسیم شود. از آنجاکه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با هدف کاهش بدبینی اجتماعی نیازمند شناخت ابعاد و عوامل بدبینی اجتماعی است، امید آن می‌رود که یافته‌های این پژوهش به شناخت جنبه‌هایی از موضوع یاری رساند.

پیشینه تحقیق

مرور مطالعات پیشین بیانگر آن بود که تحقیقی دقیقاً با عنوان مطالعه حاضر انجام نشده است؛ بنابراین، مواردی ذکر می‌شود که بیشترین نزدیکی را با تحقیق حاضر دارند. در زمینه بدبینی اجتماعی در داخل کشور تحقیقات صورت گرفته بیشتر بدبینی سازمانی را مطالعه کرده‌اند. همچنین تحقیقات متعددی از منظر روان‌شناسی موضوع بدبینی را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌هایی نیز موجودند که به مفاهیمی نزدیک به بدبینی اجتماعی مانند آینده‌هراسی، هراس اقتصادی و... توجه کرده‌اند؛ ولی کمتر مطالعه‌ای یافت شد که مفهوم بدبینی را از

اختلال در عملکرد اجتماعی) رابطه معنادار وجود دارد.

در پژوهش‌های خارجی بر مبنای مفهوم بدبینی اجتماعی دو دسته پژوهش وجود دارد. یک دسته از این پژوهش‌ها بدبینی اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد بدیهیات اجتماعی^۱ معرفی کرده‌اند (لیونگ و باند^۲ (2004)، لیونگ و همکاران^۳ (2012)؛ لی و لیونگ^۴ (2012)؛ الکساندرا و همکاران (2017)؛ استاوروا و آلبرت (2016)؛ کلاوز بونکه^۵ (2009)). در این پژوهش‌ها بدبینی اجتماعی^۶ به دسته‌ای از باورهای کلی اطلاق شده است، مبنی بر اینکه به افراد، نهادها و دیگر امور نمی‌توان اعتماد کرد و این مسئله حاکی از آن است که ماهیت انسان و دنیای اجتماعی نتایجی منفی به ارمغان می‌آورند و دسته دوم، بدبینی اجتماعی^۷ را مفهومی متفاوت از بدبینی عمومی یا شخصی تلقی می‌کند و آن را به معنی تمایل به انتظار نه‌تنها بدترین‌ها شناسایی کرده‌اند، به موفق نبودن در آنچه که فرد تلاش می‌کند انجام دهد، نیز مربوط می‌شود. تحقیقات دسته اول نشان داد باورهای بدبینانه درباره طبیعت انسان بر درآمد اثر نامطلوبی دارد و تأثیر منفی آن در کشورهایی معنادار است که نرخ رفتار اجتماعی مثبت بالایی دارند (Ehlebracht, 2016 & Stavrova). بدبینی اجتماعی در سطح فردی ارتباط مثبتی با جهت‌گیری سلطه اجتماعی دارد و از طریق تأثیر بر جهت‌گیری سلطه اجتماعی بر ادراک افراد از رفتار غیراخلاقی تأثیرگذار است (Alexandra et al., 2017). مطالعه طولی لی و لیونگ (2012) نشان داد که همبستگی معناداری بین ارزیابی شرایط اجتماعی و بدبینی اجتماعی وجود دارد و ارزیابی از شرایط اجتماعی در زمان اولیه پیش‌بینی‌کننده بدبینی اجتماعی در زمان ثانویه است. لیونگ و همکاران (2012) در بررسی تفاوت جنسیتی در بدبینی اجتماعی جوامع در نمونه‌ای متشکل از ۴۰ کشور دریافتند که مردان بدبینی اجتماعی بیشتری از زنان دارند و این تفاوت تحت تأثیر فرهنگ‌های

مختلف است؛ به گونه‌ای که در کشورهایی که زنان در مقایسه با مردان در مرتبه فرودست قرار می‌گیرند، بدبینی اجتماعی در زنان افزایش می‌یابد و حتی ممکن است بیش از مردان باشد. بونکه (2009) در بررسی انتقال بین نسلی باورها دریافت که بدبینی اجتماعی در هر نسلی به شکل خاصی تعریف می‌شود و بدبینی اجتماعی در فرزندان به بدبینی اجتماعی ابراز شده توسط مادرانشان بستگی دارد؛ ولی هم‌زمان فرزندان بدبینی اجتماعی بیشتری دارند که به سطح بدبینی اجتماعی پدران می‌رسد که به میزان درخور توجهی از مادران بیشتر است.

دسته دوم از پژوهش‌های خارجی که مفهوم بدبینی اجتماعی را انتظار بدترین‌ها تعریف کرده است، توسط وودن (2016) در کشور هلند بررسی شده است و بدبینی اجتماعی را متأثر از عوامل اقتصادی شامل کاهش قدرت دولت رفاه، رشد اقتصادی و بیکاری و عوامل سیاسی شامل فراموشی و بی‌ثباتی و فساد عنوان کرده است. در مطالعه دیگری که استین وودن (2018) در بین هشت کشور اروپایی انجام داده است، تأثیر بدبینی اجتماعی بر رفتار سیاسی افراد بررسی شده است و نشان داده است افرادی که به پوپولیست‌های راست رادیکال رأی داده‌اند، بدبینی اجتماعی بیشتری داشته‌اند. ویگنولی^۸ و همکاران (2020) ارتباط بدبینی اجتماعی و تمایل افراد به فرزندآوری را بررسی کرده‌اند و دریافته‌اند که عدم قطعیت اقتصادی و روایت افراد از آینده خود بر رفتارهای باروری آنها تأثیرگذار است. تحقیق ایوانوا و بالبو^۹ (2024) نیز نشان داد اگر افراد از آینده نسل بعدی ارزیابی منفی داشته باشند، احتمال کمتری دارد که تمایل به فرزندآوری داشته باشند. نگرانی افراد از آینده در زمینه اقتصاد و کار نسل آینده و نیز شکل روابط اجتماعی فرزند بوده است.

مقایسه این دو دسته پژوهش در زمینه بدبینی نشان می‌دهد که دسته اول بدبینی اجتماعی را مفهومی فرهنگی و دسته دوم عارضه‌ای محصول شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌داند. در این مقاله تلاش شده است هر دو مفهوم

¹ Social Axioms

² Leung & Bond

³ Leung et al.

⁴ Li & Leung

⁵ Boehnke

⁶ Social Cynicism

⁷ Societal Pessimism

⁸ Vignoli

⁹ Ivanova & Balbo

شاخص‌سازی و عملیاتی شود. همچنین در هیچ‌کدام از تحقیقات پیشین تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی و با در نظر گرفتن نقش طبقه اجتماعی به عنوان متغیر تعدیلگر بررسی نشده است و این مطالعه با ترسیم چنین رابطه‌ای تا حد امکان خلافاً و نقایص تحقیقات پیشین را رفع می‌کند.

چارچوب نظری

برای ساخت چارچوب نظری تحقیق رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی احساسات در ارتباط با بدبینی اجتماعی و نظریه‌های مرتبط با آن، نظریه‌های طبقه اجتماعی اعم از مارکسیستی و غیرمارکسیستی و نظریه‌های مربوط به ساختار قدرت در خانواده بررسی و تدقیق شد.

کالینز مفهوم انرژی احساسی را در تفسیر انگیزه‌های احساسی کنش به کار گرفته است و انرژی احساسی پایین را معادل احساس ناتوانی یا انتظار ناچیز از موفقیت در آینده می‌داند که باعث تشدید ناامیدی و ناکامی در فرد می‌شود (کیانپور و آقابابایی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، بدبینی اجتماعی می‌تواند بازتابی از انرژی احساسی پایین قلمداد شود. ترنر معتقد است میزان همخوانی و ناهمخوانی آنچه فرد انتظار دارد در موقعیتی خاص رخ دهد و آنچه فرد تجربه می‌کند، برانگیزاننده احساسات مختلف است. وی عواملی چون عوامل جمعیت‌شناختی، ساختاری، فرهنگی و مبادله‌ای را در فرایند شکل‌گیری انتظارات تأثیرگذار می‌داند. به نظر وی قرارگرفتن فرد در سلسله‌مراتب قدرت و منزلت (عوامل ساختاری) باعث آگاهی از جایگاهش می‌شود و در نتیجه پتانسیل نشان‌دادن واکنش‌های احساسی به کنش‌های دیگران در افراد افزایش پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر مناسبات قدرت و منزلت در این مواجهه‌ها دارای اهمیت می‌شوند و به رسمیت شناختن یا نشناختن آنها واکنش‌های احساسی شدیدتری به دنبال دارد.

عوامل فرهنگی معیارهای کنشی و هنجاری هستند که به عنوان نمادهایی برای مشارکت‌کنندگان در یک موقعیت، معیارها و دستورالعمل‌های کنشی فراهم می‌کنند و تعیین‌کننده نوع کنش فرد و انتظار او از نوع کنش دیگران هستند. عوامل

مبادله‌ای نیازهای بنیادینی هستند که فرد در مواجهات خود انتظار آن را دارد؛ برای مثال نیاز به دریافت منفعت از منابع معقول، نیاز به این احساس که آنها پاسخ‌های دیگران را می‌توانند پیش‌بینی کنند، نیاز به اعتماد به دیگران مبنی بر اینکه آنها به تعهدات خود عمل می‌کنند، نیاز به این تصور که «خود» و «دیگری» جهان را در راستای تحقق اهداف کنش متقابل به یک شکل می‌بینند و نیاز به این احساس که «خود» هرچند بسیار اندک، در جریان زنده کنش متقابل وارد شده است (کیانپور و آقابابایی، ۱۳۹۶).

کمپر معتقد است روابط مبتنی بر قدرت و منزلت، احساسات متفاوتی را در افراد برمی‌انگیزاند (ربانی و کیانپور، ۱۳۸۸). وی ساختار اجتماعی را آرایش عمودی کنشگران نسبت به یکدیگر در طول ابعاد ارتباطی قدرت و منزلت برمی‌شمارد. بنا به دیدگاه کمپر قدرت به کنش‌هایی ارجاع داده می‌شود که ماهیتی الزام‌آور، اجباری، تهدیدکننده و مجازات‌کننده دارند و به واسطه آن کنشگر بر دیگری تسلط می‌یابد و منزلت، بُعدی کمیته دارد و نشان‌دهنده مقدار احترام، تأیید، تشویق و تبعیت داوطلبانه و حمایت مالی و احساسی است که کنشگران به یکدیگر عرضه می‌کنند.

ساروخانی (۱۳۷۰) خانواده را محل شکل‌گیری نگرش افراد به خود و دیگران می‌داند. گود معتقد است «حتی خوشبخت‌ترین خانواده‌ها نیز می‌توانند به عنوان نظامی از قدرت ملاحظه شوند؛ زیرا در بیشتر اوقات هریک از اعضا سعی در وادار نمودن دیگران به انجام یا جلوگیری از انجام کاری در مقابل خواسته‌های دیگران دارد (روشه، ۱۳۹۱). به زعم ساروخانی (۱۳۷۰) خانواده می‌تواند واجد مناسبات مبتنی بر سلطه و سرکوب باشد؛ این بدان معنی است که فرد سلطه‌گر برای تحقق خواست‌های خود از روش‌های توأم با خشونت استفاده کند. در نظریات خانواده مفهوم قدرت به وجه تصمیم‌گیری اطلاق شده است و فردی صاحب قدرت بیشتر است که در بیشتر امور خانواده تصمیم‌گیرنده است. شاخص قدرت میان زن و شوهر براساس تصمیم‌گیری، مشخص‌کننده میزان پدرسالاری در خانواده محسوب می‌شود (Bates et al.,

2003). وجه دیگر قدرت در خانواده نحوه تصمیم‌گیری‌ها برای عمل است. ترغیب، تحریک، اجبار و فعال‌کردن تعهد در افراد برای انجام تصمیمات از نحوه‌های اعمال قدرت به حساب می‌آید. درحقیقت در خانواده ساختاری شکل می‌گیرد که فرد صاحب قدرت تصمیم‌گیرنده است و با استفاده از شیوه‌های ترغیب، تحریک، اجبار یا فعال‌کردن تعهد در دیگران به تصمیمات خود تحقق می‌بخشد و از این‌رو بنا به نظریه کمپر فردی که در ارتباطات خانوادگی در جایگاه فرودست قرار می‌گیرد، مستعد بدبینی اجتماعی بالاتری است و بنا به نظریه کالینز انرژی احساسی پایین‌تری را تجربه می‌کند.

دارندورف (۱۳۹۳) نیز به این موضوع اشاره دارد که در خانواده، قدرت به صورت ناعادلانه توزیع می‌شود و افراد با قدرت زیاد می‌توانند به شکل ناعادلانه‌ای بر اعضای دیگر تأثیر بگذارند و استبداد برقرار کنند. این استبداد می‌تواند به صورت مادی (مثل کنترل منابع) یا نمادین (مثل تحقیر کردن و تحت فشار قرار دادن) بروز کند. به زعم وی نقش قدرت در خانواده می‌تواند به دو شکل اساسی تأثیر بگذارد: اولاً، قدرت می‌تواند به عنوان یک منبع توانمندکننده برای اعضای خانواده عمل کند. افراد با قدرت زیاد ممکن است بتوانند منافع و نیازهای خود را بر منافع و نیازهای اعضای دیگر ترجیح دهند و در نتیجه، توزیع منابع، فرصت‌ها و قدرت در خانواده ناعادلانه باشد؛ ثانیاً، قدرت می‌تواند به عنوان عامل برای تحت فشار قرار دادن و تحقیر کردن اعضای خانواده عمل کند. افراد با قدرت زیاد می‌توانند اعضای دیگر را تحت فشار قرار دهند و ناعادلانه با آنها برخورد کنند. این نوع تعامل‌ها ممکن است باعث بدبینی اجتماعی در افرادی شود که به قدرت دسترسی کمتری دارند و احساس کنند که نمی‌توانند به اندازه کافی موفقیت و رضایت در زندگی داشته باشند؛ بنابراین، دارندورف معتقد است که ساختار قدرت در خانواده می‌تواند به بدبینی اجتماعی منجر شود؛ زیرا ناعادلانه بودن توزیع قدرت، فرصت‌ها و منابع در خانواده، احساس بی‌اعتمادی و ناامیدی را در افراد به وجود می‌آورد.

بنابراین، فرضیه اول تحقیق به صورت زیر استنتاج

می‌شود:

ساختار قدرت در خانواده بر میزان بدبینی اجتماعی تأثیر دارد.

بر مبنای نظرات مطرح‌شده در سطور پیشین می‌توان دریافت روابط قدرت در همه روابط متقابل بین افراد ساری و جاریست و روابط درون خانواده نیز از این امر مستثنی نیست. قدرت در روابط خانوادگی در تصمیم‌گیری‌ها به نمایش درمی‌آید. حوزه‌ها و شیوه‌های اعمال تصمیم‌گیری به صورت‌های گوناگون مطرح شده است. شیوه‌های تشویق، اجبار، اقناع و... هر کدام به نحوی بر طرفین تعامل تأثیر می‌گذارد و احساسات متفاوتی را در فرد برمی‌انگیزاند. براساس نظریه کالینز کسانی که در سلسله‌مراتب قدرت در مرتبه فرودست قرار گیرند، از انرژی احساسی کمی برخوردار هستند و در نتیجه همسو با این انرژی کم، احساسات منفی را تجربه خواهند کرد. بنابر آنچه گفته شد هرچه قدرت در خانواده نامتقارن‌تر باشد، می‌تواند انرژی احساسی کمتری و در نتیجه بدبینی بیشتری را در فردی ایجاد کند که در جایگاه فرودست قرار گرفته است. از طرف دیگر براساس نظریه منابع و تئوری مبادله، قدرت در خانواده به سمت کسی است که از منابع ارزشمند بیشتری چون تحصیلات و درآمد و ثروت برخوردار باشد و توانایی ارائه این منابع ارزشمند را به خانواده داشته باشد؛ به عبارت بهتر، منابع ارزشمند به خانواده می‌دهد و در ازای آن قدرت به دست می‌آورد؛ بنابراین، باتوجه به اینکه طبقات پایین جامعه از منابع ارزشمند کمتری برخوردارند و از آنجاکه شاخص‌های طبقه اجتماعی منابع ارزشمندی چون درآمد و ثروت، منزلت شغلی و تحصیلات هستند، زنان متعلق به طبقه پایین از این منابع بهره کمتری دارند و از این‌رو در ارائه منابع ارزشمند به خانواده ناتوان یا کم‌توان هستند؛ براین اساس، به نظر می‌رسد ساختار قدرت در خانواده‌های عضو طبقه پایین نامتقارن است و مردان قدرت بیشتری دارند؛ ولی در طبقات بالاتر زنان از منابع ارزشمند بیشتری برخوردارند؛ از این‌رو دارای توان بیشتری در ارائه منابع ارزشمند به خانواده هستند و بنابراین، قدرت بیشتری در

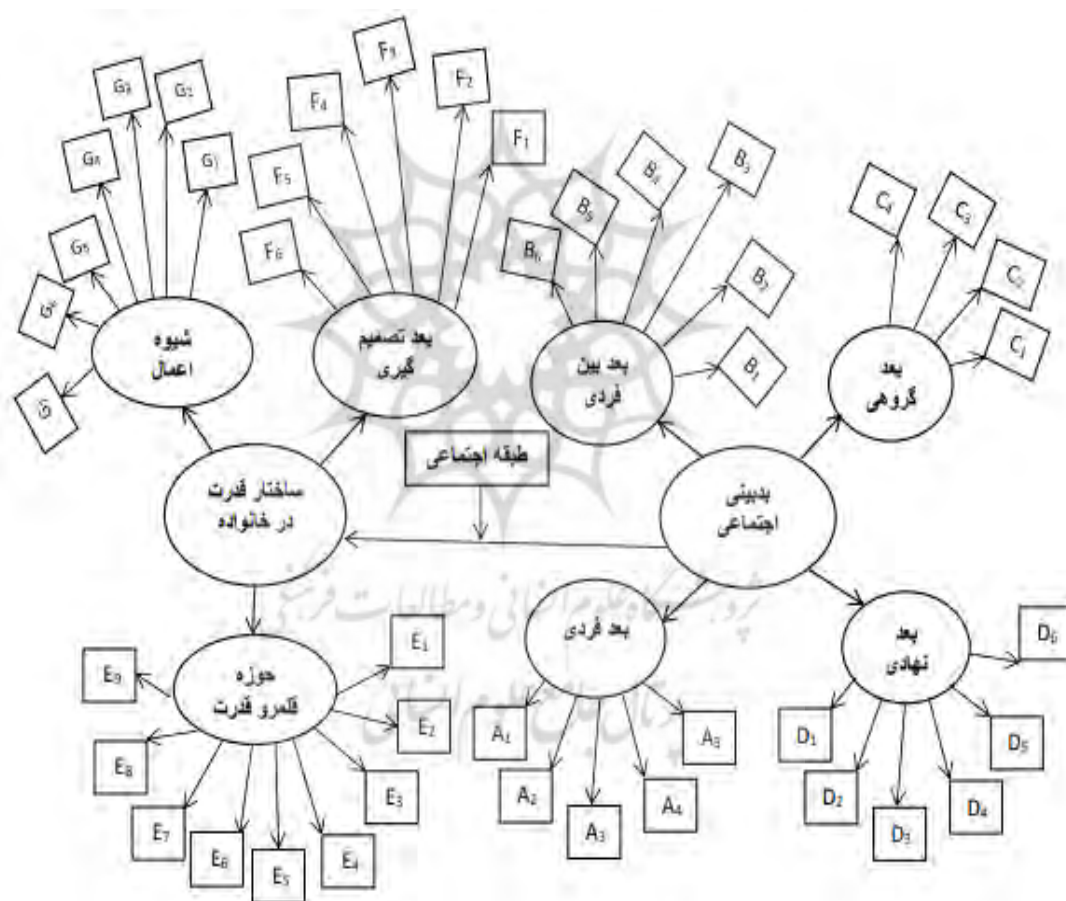
سوی دیگر در طبقات بالا، ساختار قدرت در خانواده متقارن‌تر است که باعث کم‌شدن تجربه انرژی احساسی کمتر و بنابراین، بدبینی اجتماعی کمتر می‌شود. باتوجه‌به مباحث مطرح‌شده فرضیه اصلی تحقیق به شکل زیر صورت‌بندی می‌شود:

رابطه ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی در طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است.

براساس چارچوب نظری مطرح‌شده مدل نظری این مطالعه تدوین و در شکل ۱ نشان داده شده است.

ساختار خانواده در مقایسه با زنان طبقه پایین دارند و می‌توانند ساختار قدرت در خانواده را به‌سوی تقارن سوق دهند. از سوی دیگر قرارگرفتن در طبقه پایین جامعه از آنجاکه با مقایسه و آگاهی از جایگاه پایین و همراه با انتظارات برآورده نشده است، منجر به انرژی احساسی ضعیف‌تر می‌شود. این تأثیرات را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

در طبقات پایین، ساختار قدرت در خانواده نامتقارن‌تر و بنابراین، انرژی احساسی برای فرد فرو دست کم است که می‌تواند منجر به بدبینی اجتماعی بیشتری در وی شود. از



شکل ۱- مدل نظری پژوهش*

Fig 1- Research theoretical model

* معرف‌های متغیرهای مدل در جداول (۲) و (۳) آمده است

جدول ۱- تقسیم‌بندی محلات شهر اصفهان براساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی به تفکیک منطقه شهری

Table1- The classification of neighborhoods in Isfahan based on social and economic status by urban region

پایین پایین	پایین	متوسط پایین	متوسط بالا	بالا	بالای بالا
منطقه ۱			خرم، جامی، علی قلی آقا، بیدآباد، جوزدان الیاداران	درب کوشک، خلجا، لنجان	شاهزاده ابراهیم، صائب، عباس‌آباد
منطقه ۲	ولدان	برزان، بابوکان، دهنو، جاوان	بختیار دشت، رسالت، مشکین	آفاران	
منطقه ۳		جوباره، شهنشاهان	سرچشمه، سرتاوه، احمدآباد، سنبلستان، امامزاده اسماعیل	نقش جهان، گلزار، قلعه طبره، ملک، خواجو، باغکاران	چرخاب
منطقه ۴	کردآباد، زوان، پینارت	کلمان، کلمه‌خواران - شهرک زاینده رود	همدانیان، شهرک فاضل - بهاران، رکن الدوله شرقی شهرستان	شاهزید، باغ غدیر - خلیل‌آباد، رکن الدوله غربی، شهرستان	فرهنگیان، مهرآباد
منطقه ۵		وحید	حسین‌آباد، فرح‌آباد	باغ زرشک، سیچان، جلفا، باغ دریاچه، بهار آزادی، کوی امام جعفر صادق(ع)، کوی سپاهان، سپاهانشهر، محدوده دانشگاه اصفهان	
منطقه ۶	دنارت	ردان	همت‌آباد، تخت فولاد، فیزیدان	مسجد مصلی، کوی امام	باغ‌نگار - آینه‌خانه، فیض، آبشار، سعادت‌آباد، هزارجریب
منطقه ۷	شهرک ولیعصر	شاهد، فروردین	شهرک میلاد، باغ فدک، شهرک کاوه، رحیم‌آباد، پوریای ولی، مولوی	گل محمدی، جلالیه، بهارستان، میرعماد، شهریار، رزمندگان، دستگرده، تیران	خانه اصفهان، طامه
منطقه ۸		کوجان، پرتمان، فردوان، شمس‌آباد	کساره، آهنگران		
منطقه ۹		کلیچه، گلستان - سودان، کوهانستان	آزادان، جنیران - لادان، جاوان پایین - مهدیه، گورتان، بهارنچی، نصرآباد محدوده ناژوان منطقه ۹	زهران	ناژوان

پایین پایین	پایین	متوسط پایین	متوسط بالا	بالا	بالای بالا
منطقه ۱۰	گرکان، جوهران، حصه جنوبی	هفتون، فجر، عطارنیشابوری، مصلی، اطشاران	کوی نرگس	پروین، ملاصدرا، خواجه عمید	عسکریه، دشتستان، سروستان
منطقه ۱۱	بابوکان جنوبی-لیمجیر-زاجان	ماشاده-طاحونه-محله اسلامی			
منطقه ۱۲	عاشق‌آباد، ناصر خسرو	امیرعرب، امین‌آباد، محمودآباد	کوثر، شهرک نگین	ملک‌شهر، مهدی‌آباد	شهرک منتظری
منطقه ۱۳	قائمیه	باغ فردوس، محدوده ناژوان منطقه ۱	کشاوری، کوی گلزار، شفق	امیری، محدوده نظامی-آمادگاه ارتش	باغ زیار، کوی ولیعصر، محدوده
منطقه ۱۴	حصه شمالی، سودان، عمان سامانی، باتون، جلوان، منتظرالمهدی، ارزنان-زینییه، امام خمینی، شهرک امام حسین-دارک	دوطفلان	شاهپسند، الهیه		
منطقه ۱۵	اندوان، گیان، دهنو، قلعه برتیانچی	کنگاز، ستار، درب سیبه-علیا، سفلی، خیابان، راون، خاتون‌آباد، قلعه نو، گورت، سنجوانمره	بوزان، ابر، ارداجی، شهید رجایی، سلطان‌آباد، ارغوانیه، جی شیر پزوه، هیستان		

شاخص‌سازی متغیرها

شاخص‌سازی بدینی اجتماعی

سنجش بدینی اجتماعی تلفیقی از دو مفهوم ذکرشده در تحقیقات جهانی است؛ بدین ترتیب بدینی اجتماعی در این مطالعه با استفاده از شاخص‌های پیشنهادی لیونگ و باند (2004) از بدینی اجتماعی حاصل شد که آن را مقوله‌ای فرهنگی و به‌عنوان یک دسته از پنج باور عمومی اجتماعی

دانسته‌اند و در افراد یک جامعه مشترک است و شاخص‌های پیشنهادی وودن (2016) که بدینی اجتماعی را انتظار بدترین‌ها معرفی کرده است که عوامل سیاسی و اقتصادی را در تشدید آن مؤثر دانسته‌اند، شاخص‌سازی شده است؛ بدین ترتیب متغیر بدینی اجتماعی در چهار سطح فردی، بین فردی، گروهی و نهادی شاخص‌سازی و عملیاتی شده است.

جدول ۲- شاخص‌سازی بدبینی اجتماعی
Table 2- Indexing Social Cynicism

سطح	گویه	بارعاملی
فردی	اعتقاد به اینکه خوش‌قلب بودن معمولاً باعث ضرر آدم می‌شود.	۰,۷۸
	اعتقاد به اینکه به‌ندرت می‌توان پایان خوشی را در زندگی واقعی دید.	۰,۸
	اعتقاد به اینکه مقام و قدرت چیز خوبی نیست؛ چون آدم را مغرور انسان می‌کند.	۰,۴۳
	اعتقاد به اینکه هر چی سنگه پیش پای لنگه (مشکلات بیشتر برای کسی پیش می‌آید که ضعیف‌تره).	۰,۳۸
	اعتقاد به اینکه آدم هر چه خودخواه‌تر باشد، اهداف و مقاصد خود را بهتر پیش می‌برد.	۰,۴۱
	اعتقاد به اینکه مردم اکثراً ظاهر خوب به آدم نشان می‌دهند، ولی در دلشان نیت خوب ندارند.	۰,۹
	اعتقاد به اینکه معمولاً قدرتمندان دوست دارند از دیگران بهره‌کشی کنند.	*۰,۱۱
بین فردی	اعتقاد به اینکه خوبی کردن به دیگران باعث می‌شود که توقع آنها بالا برود.	۰,۳۳
	اعتقاد به اینکه بیشتر مردم از وجود اختلاف بین دیگران خوششان می‌آید.	۰,۴۶
	اعتقاد به اینکه مردم فقط به این دلیل از تعریف و تمجید استفاده می‌کنند که می‌خواهند از قبل دیگران چیزی به دست آورند (سلام گرگ بی‌طمع نیست).	۰,۶۷
گروهی	اعتقاد به اینکه بیشتر مردم تا به نان و نوایی می‌رسند، دوستان قدیمی خود را کنار می‌گذارند.	۰,۳۹
	اعتقاد به اینکه قوم و خویش و فامیل بیشتر از اینکه سودی داشته باشند، مایه دردسر و ناراحتی هستند.	۰,۳۲
	اعتقاد به اینکه بیشتر مردها غیرقابل اعتمادند و قصد سوء استفاده از زنان را دارند.	۰,۷۱
	اعتقاد به اینکه بیشتر دختران در ازدواج فقط به فکر مادیات و منافع شخصی خودشان هستند.	۰,۹۴
	اعتقاد به اینکه افراد موفق و ثروتمند معمولاً دیگران را پله‌کان کرده‌اند تا به اینجا رسیده‌اند.	۰,۳۶
نهادی (جامعه‌ای)	اعتقاد به اینکه اگر چه مشکلاتی وجود دارد، کشور ما در مسیر درستی پیش می‌رود.	۰,۹۳
	اعتقاد به اینکه برای بیشتر مردم زندگی به جای بهتر شدن بدتر می‌شود.	۰,۷۳
	اعتقاد به اینکه شهر اصفهان به دلیل مشکل آب رو به نابودی است.	۰,۳
	اعتقاد به اینکه بدون داشتن پارتی در هیچ سازمانی کار مردم راه نمی‌افتد.	۰,۶۵
	اعتقاد به اینکه مسئولین تلاش خود را می‌کنند تا به وعده‌هایی عمل کنند که به مردم می‌دهند.	۰,۹
	اعتقاد به اینکه مسئولین فقط به فکر حفظ قدرت خودشان هستند.	۰,۸۳

* بار عاملی این گویه مقدار کمی به دست آمد؛ ولی باتوجه به اینکه در مدل معنادار بود، از حذف آن خودداری شد.

سنجش طبقه اجتماعی

در این پژوهش برای سنجش طبقه اجتماعی بُعد عینی طبقه اجتماعی لحاظ شد. برای سنجش بُعد عینی طبقه اجتماعی، نظریه وبر مبنا قرار گرفت که آن را دارای شاخص‌های تحصیلات، منزلت شغلی و درآمد می‌داند؛ از این رو در مرحله اول هریک از این سه شاخص در پنج سطح، مطابق جدول (۳) ارزیابی شد و پس از میانگین وزنی این سه معرف محاسبه شد و در نهایت نتیجه به دست آمده در سه طبقه تقسیم شد.

جدول ۳- شاخص‌سازی طبقه اجتماعی

Table 3- Indexing Social Class

درآمد (وزن ۲)	تحصیلات (وزن ۱)	منزلت شغلی (وزن ۱)*
زیر ۵ میلیون تومان	زیر دیپلم	خیلی ضعیف
۵ تا ۱۰ میلیون تومان	دیپلم	ضعیف
۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان	فوق دیپلم و لیسانس	متوسط
۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان	فوق لیسانس	خوب
بالای ۲۰ میلیون تومان	دکتری و بالاتر	عالی

*منزلت شغلی با استفاده از جدول ۴ رتبه‌بندی شده است.

جدول ۴- رتبه‌بندی منزلت شغلی

Table 4- Ranking of Occupational Status

عناوین شغلی	عالی ۵	خوب ۴	متوسط ۳	ضعیف ۲	خیلی ضعیف ۱
رئیس‌جمهور، استاد دانشگاه رسمی، پزشک، دکتر داروساز، رئیس دانشگاه، دندان‌پزشک، قاضی، وکیل، خلبان، استاندار، فرماندار، نماینده مجلس، مدیر شرکت بازرگانی، فنی و مهندسی شاغل در بخش رسمی، کارخانه، بازاری عمده‌فروش، اداری خدماتی بخش مدیریت	*				
طراح یا گرافیکست، حسابدار، فروشگاه کامپیوتری، دام‌پزشک، پزشک عمومی، فرش فروشی، کارگردان، موسیقی‌دان، مرغداری، آتش‌نشان، کارگاه تراشکاری، مکانیک خودرو، نویسنده، سردفتر محضر، مدیر هتل، هنرپیشه، زرگری و جواهرفروش، مرجع تقلید، نمایشگاه اتومبیل، فرهنگی، نویسنده اجناس لوکس، راننده ماشین سنگین، کشاورز و باغدار، فنی و مهندسی بخش غیررسمی، نظامی	*				
درجه ۲					
کارمند اداری عادی، راننده ماشین سبک، نظامی درجه‌دار، بازاری خرده‌فروش، کارگر فنی، سلمانی، نقاش، ساندویچ، پیتزا، بقالی، نجار، خشک‌شویی، قفل و کلیدسازی، لوله‌کش، صافکاری اتومبیل، فروشنده، فیلمبردار، صحافی، کله‌پزی و نانواپی، خیاطی، آرایشگاه زنانه، منشی، بنگاه مسکن، پستی، کارکنان حراست، روضه‌خوان، خادم مسجد و زیارتگاه		*			
استاد یا معلم حق‌التدریس، روحانی بازنشسته، مستخدم منازل، کارگر ساده، سمساری، رفتگر، کارگر آرامستان			*		
سیگارفروش، کوپن‌فروشی، دلال، واکسی، دستفروش				*	

(پیرک، ۱۳۹۷، ۱۱۷)

شاخص‌سازی ساختار قدرت در خانواده

اعمال قدرت سنجش شده است. گویه‌ها در هر بُعد در جدول

(۵) مطرح شده است:

در این پژوهش ساختار قدرت در خانواده در سه بُعد حوزه

قلمروی قدرت (مردسالاری)، وجه تصمیم‌گیری و شیوه

جدول ۵- شاخص‌سازی ساختار قدرت در خانواده

Table 5- Indexing the Power Structure in the Family

ابعاد	گویه‌ها
حوزه قلمرو قدرت	معمولاً شوهر (پدر) در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود، نظر زن (مادر) را می‌خواهد. گاهی اوقات مخالفت بقیه اعضای خانواده با تصمیماتی که شوهر (پدر) در امور زندگی می‌گیرد، بی‌فایده است. به‌طور کلی مرد (پدر) کمتر به نظرات زن (مادر) در زندگی توجه دارد. در خانواده وقتی موضوع مهمی در میان است انتظار می‌رود، بقیه بدون هیچ چون‌وچرایی از پدر اطاعت کنند. اگر قرار باشد زن (مادر) جایی برود، از مرد اجازه نمی‌گیرد فقط اطلاع‌دادن کافی است. اگر شوهر (پدر) قصد انجام کاری را داشته باشد، در بیشتر مواقع با خانواده مشورت می‌کند. در گرفتن تصمیمات زندگی مشترک، نظرات زن (مادر) برای شوهر (پدر) بسیار مهم است. در خانواده همه افراد به‌راحتی نمی‌توانند نظر خلاف میل پدر (شوهر) را اظهار کنند. روی هم‌رفته در خانواده حرف آخر را مرد (پدر) می‌زند

ابعاد	گویه‌ها
بُعد تصمیم‌گیری	چگونگی تصمیم‌گیری در زمینه مواردی چون: عوض کردن منزل و چگونگی تنظیم دخل و خرج روزانه خرید یا تعویض خودرو، فرش، یخچال و... رفتن به دیدن اقوام و مهمانی گرفتن در منزل انتخاب اسم برای فرزندان و ازدواج فرزند با فرد مورد نظر
	استفاده از تلویزیون و انتخاب نوع برنامه‌ها و مشخص کردن مقصدی برای مسافرت شوهر (پدر) در برابر تصمیماتی که می‌گیرد، انتقادپذیر است. در خانواده رسم بر این است که زن و شوهر اگر بخواهند کار مهمی انجام دهند، همدیگر را راضی می‌کنند. در تصمیماتی که شوهر (پدر) می‌گیرد، از زن (مادر) انتظار دارد فقط به حرفش گوش کند و کاری به کارش نداشته باشد.
	شوهر (پدر) کمتر مسئولیت تصمیم‌های اشتباهش را بر عهده می‌گیرد. شوهر (پدر) معمولاً برای اینکه کاری انجام گیرد، بیش از اندازه دلیل‌تراشی می‌کند. در بحث‌های خانوادگی به ما گفته می‌شود به‌جای اینکه افراد دیگر را عصبانی کنیم، باید سکوت کنیم و تسلیم باشیم. پدر (شوهر) نظر فرزندان را می‌شنود، حتی اگر با آنها موافق نباشد.

پایایی پرسش‌نامه

برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، سه مرحله نمونه‌گیری پایلوت انجام شد. در هر مرحله با استفاده از ۲۷ الی ۳۰ پرسش‌نامه تکمیل شده، ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد و گویه‌ها اصلاح یا حذف شد و در نهایت ضریب آلفای کرونباخ برای بُعد فردی بدبینی اجتماعی (۰,۵۸۷)، بُعد بین فردی (۰,۷۳۹)، بُعد گروهی (۰,۶۵۶)، بُعد نهادی (۰,۸۰۲) و برای ابعاد ساختار قدرت در خانواده محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ برای ساخت روابط قدرت در خانواده (۰,۷۷۱)، بُعد تصمیم‌گیری در خانواده (۰,۷۲۵) و برای شیوه اقناع (۰,۶۷۱) به دست آمد.

روایی پرسش‌نامه

در این مطالعه برای سنجش اعتبار از اعتبار محتوایی و اعتبار صوری استفاده شده است. اعتبار محتوا بر دو نوع است: اعتبار نمونه‌ای و اعتبار صوری.

برای اطمینان از اعتبار نمونه‌ای پس از مطالعه و فیش‌برداری، سؤالات مختلفی مطرح شد و این سؤالات در کنار سؤالاتی قرار گرفت که از پرسش‌نامه‌های اعتباریابی شده در ارتباط با متغیرهای ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی استخراج شده بود. سپس با مرور و بازبینی آنها و سرانجام با مطالعه مقدماتی برخی پرسش‌ها حذف و اصلاح

شدند. به نحوی که سؤالات باقی‌مانده نمایانگر ویژگی‌های این دو متغیر بودند. درواقع برای دستیابی به این گویه‌ها سؤالات زیادی طرح و یک مخزن سؤالات مشخص ایجاد شد و از بین گویه‌های مطرح شده مواردی انتخاب شد. به‌طوری‌که گویه‌های باقی‌مانده معرفی از کل سؤالات بود؛ بنابراین، تا حدود زیادی از اعتبار نمونه‌ای اطمینان حاصل شد. همچنین این پرسش‌نامه در اختیار پژوهشگران مختلف قرار گرفت و با اعمال نظر آنها از اعتبار صوری پرسش‌نامه تا حد زیادی اطمینان حاصل شد؛ بنابراین، پرسش‌نامه به‌طور کلی دارای اعتبار محتوایی است.

در تمامی طول مسیر مطالعه، سازه‌های ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی به‌دقت بررسی شدند. مفاهیم آنها تعریف و ابعاد و شاخص‌های آنها براساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق مشخص شد و همبستگی بالای مولفه‌های تشکیل‌دهنده هر کدام از این سازه‌ها با یکدیگر به تأیید رسید. همچنین تفاوت این سازه‌ها با یکدیگر در طول مسیر مطالعه مبانی نظری و به‌ویژه در جریان شاخص‌سازی و تعریف عملیاتی مشخص شد و با حذف گویه‌های ناهماهنگ از اینکه گویه‌های باقی‌مانده حول سازه‌های ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی گرد هم می‌آیند، اطمینان حاصل شد و بنابراین، پرسش‌نامه دارای اعتبار سازه است.

یافته‌ها:

جدول ۶- توصیف طبقه پاسخ‌گویان برحسب جنسیت و وضعیت تأهل

Table 6- Description of the respondent's class based on gender and marital status

جنسیت	زن		مرد		مجموع
	متاهل	مجرد	متاهل	مجرد	
طبقه پایین	۱۷٪	۴٫۵٪	۹٫۶٪	۳۵٫۶٪	
طبقه متوسط	۹٫۱٪	۶٫۲٪	۱۲٫۸٪	۳۷٫۶٪	
طبقه بالا	۱۰٫۷٪	۴٪	۸٫۵٪	۲۶٫۸٪	
مجموع	۳۶٫۸٪	۱۴٫۷٪	۳۰٫۹٪	۱۰۰٪	

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نتایج نشان می‌دهد که ۵۱٫۵ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۴۸٫۵ درصد مرد بوده‌اند. ۶۷٫۷ درصد از پاسخ‌گویان متأهل و ۳۲٫۳ درصد مجرد بوده‌اند. ۲۶٫۸ درصد از پاسخ‌گویان از طبقه بالا و ۳۷٫۶ درصد طبقه متوسط و ۳۵٫۶ درصد نیز عضو طبقه پایین بوده‌اند.

جدول ۷- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس گروه سنی

Table 7- Frequency distribution of respondents based on age group

گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۱۸ تا ۲۵ سال	۵۸	۱۴٫۱	۱۵٫۹
۲۶ تا ۳۵ سال	۸۸	۲۱٫۵	۲۴٫۱
۳۶ تا ۴۵ سال	۱۱۱	۲۷٫۱	۳۰٫۴
۴۶ تا ۵۵ سال	۴۸	۱۱٫۷	۱۳٫۲
۵۶ تا ۶۵ سال	۳۹	۹٫۵	۱۰٫۷
بالتر از ۶۶ سال	۲۱	۵٫۱	۵٫۸
مجموع معتبر	۳۶۵	۸۹٫۰	۱۰۰٫۰
بدون پاسخ	۴۵	۱۱٫۰	
مجموع	۴۱۰	۱۰۰٫۰	

در جدول فوق مشاهده می‌شود که گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال بیشترین فراوانی و گروه سنی بالاتر از ۶۶ سال کمترین فراوانی را دارد.

جدول ۸- توصیف آماره‌های بدینی اجتماعی و ساختار قدرت در خانواده به تفکیک ابعاد و طبقه اجتماعی

Table 8- Description of the statistics of social cynicism and power structure in the family, broken down by dimensions and social class

متغیرها	ابعاد	میانگین کل جامعه	انحراف معیار	میانگین طبقه پایین	میانگین طبقه متوسط	میانگین طبقه بالا
فردی		۳٫۰۳۴۱	۰٫۷۹۷۵۵	۳٫۲۶۸۵	۲٫۹۱۱۳	۲٫۸۸۴۶
بین فردی		۳٫۳۹۷۲	۰٫۷۵۴۳۶	۳٫۶۷۲۵	۳٫۲۷۸۱	۳٫۲۰۹۹
گروهی		۲٫۹۵۰۶	۰٫۸۷۸۵۵	۳٫۲۴۳	۲٫۸۸۹۶	۲٫۶۳۹۴
نهادی		۳٫۸۵۴۱	۰٫۸۶۸۱۳	۳٫۷۸۹	۳٫۷۸۴۶	۴٫۰۵۱۳
بدینی اجتماعی		۳٫۳۵۶۲	۰٫۶۳۰۵۴	۳٫۴۹۳۲۵	۳٫۲۱۵۹	۳٫۰۳۱۳
حوزه قلمرو قدرت		۲٫۵۳۵۰	۰٫۶۸۷۱۳	۲٫۷۰۶۳	۲٫۵۴۷۶	۲٫۳۱۰۹
تصمیم‌گیری		۳٫۲۰۵۹	۰٫۴۷۲۲۳	۳٫۲۷۰۶	۳٫۱۹۶۸	۳٫۱۱۷۳
شیوه اعمال قدرت		۲٫۶۹۱۳	۰٫۷۰۰۵۴	۲٫۸۴۲۲	۲٫۶۵۶۸	۲٫۵۶۴۶
ساختار قدرت در خانواده		۲٫۸۳۵۱	۰٫۴۸۵۷۲	۲٫۹۵۹۹	۲٫۸۲۶۷	۲٫۶۸۹۳

تقارن به سمت ساختار مردسالارانه را نشان می‌دهد و این عدم تقارن در طبقات پایین بیشتر مشهود است.

یافته‌های استنباطی

شکل ۲ مدل ساختاری ارتباط بین متغیرهای پژوهش برای بررسی فرضیه‌های تحقیق است. مدل ارائه‌شده در نرم‌افزار AMOS ترسیم شده است و شاخص‌های برازش مدل در کادر نمودار ارائه شده است.

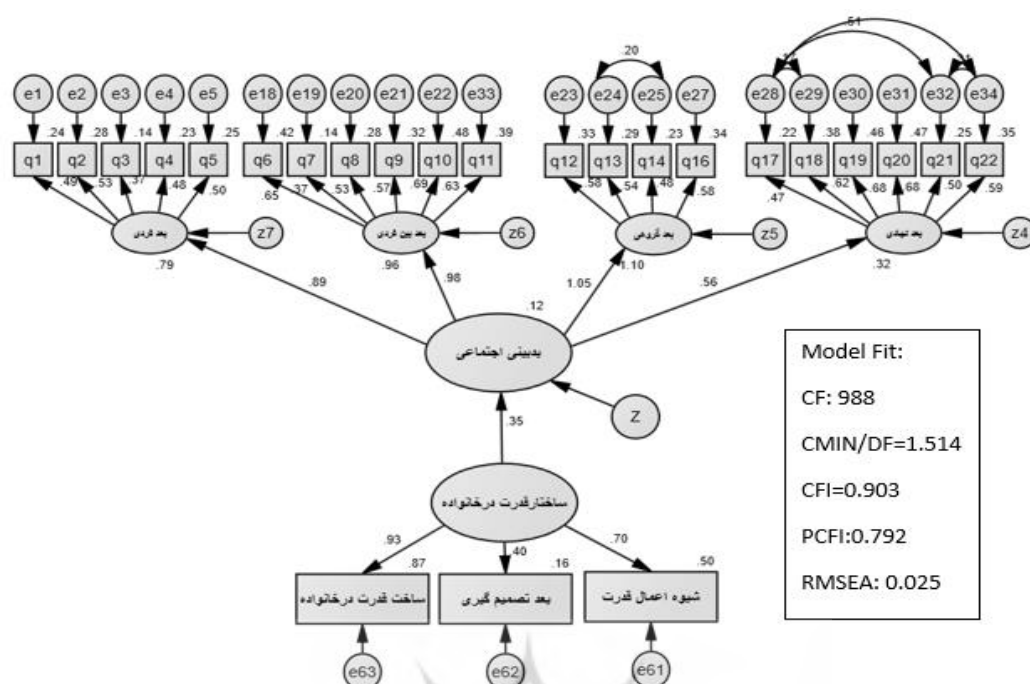
همان‌گونه که در مدل ارائه‌شده در شکل (۲) مشاهده می‌شود، ضریب تأثیر ساختار قدرت در خانواده ۰,۳۵ به دست آمده است و این بدان معناست که ۳۵ درصد از بدبینی اجتماعی افراد توسط ساختار قدرت در خانواده تبیین می‌شود. ناحیه بحرانی برای این ضریب مقدار ۴,۸۶۳ است (جدول ۷) که نشان‌دهنده معناداری آن است. به عبارتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرچه ساختار قدرت در خانواده به تقارن نزدیک‌تر باشد، میزان بدبینی اجتماعی کمتر است.

فرضیه اصلی پژوهش بدین صورت مطرح شد که رابطه ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی در طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است. به‌منظور آزمون این فرضیه ابتدا داده‌ها از طریق نرم‌افزار براساس طبقه اجتماعی به سه گروه تقسیم شده^۲ است. سپس مدل برای طبقات و همچنین کل نمونه اجرا شد و ضرایب تأثیر و نواحی بحرانی مطابق با جدول (۷) به دست آمد.

^۲ در تحلیل تعدیلگری ابتدا سه طبقه اجتماعی به عنوان سه گروه داده برای نرم‌افزار تعریف می‌شود و با اجرای مدل برای هر طبقه و برای کل داده‌ها ضرایب رگرسیونی و نواحی بحرانی به دست می‌آید و رابطه دو متغیر بدبینی اجتماعی و ساختار قدرت در خانواده و در هر سه طبقه و کل داده‌ها قابل مقایسه می‌شود. باتوجه به اینکه امکان ارائه مدل کامل و ضرایب رگرسیونی در هر طبقه در این مقاله امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، به ارائه مدل برای کل داده‌ها اکتفا شد و در شکل (۲) قسمت اصلی متغیر ساختاری برای نشان‌دادن رابطه دو متغیر در هر طبقه جداگانه ارائه شد.

میانگین نمره بدبینی اجتماعی براساس شاخص‌سازی صورت گرفته به صورت طیف لیکرت مقداری بین ۱ تا ۵ است که ۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان بدبینی اجتماعی و ۱ نشان‌دهنده خوش‌بینی است. مقدار ۳ در میانه این طیف مقداری خنثی در نشان‌دادن میزان بدبینی اجتماعی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود افراد جامعه مطالعه‌شده در سطح نهادهی بیشترین میزان بدبینی اجتماعی را دارند (۳,۸۴ در کل جامعه) ولی در سطح فردی و گروهی، میانگین به دست آمده کمتر از مقدار ۳ به دست آمده و بنابراین، بدبینی اجتماعی وجود ندارد.^۱ این در حالی است که میانگین شاخص‌ها به تفکیک طبقه اجتماعی گویای تفاوت در طبقات مختلف است. مشاهده می‌شود که با بالا رفتن طبقه اجتماعی بدبینی اجتماعی کمتر شده است. همچنین باتوجه به شاخص‌سازی صورت گرفته برای ساختار قدرت در خانواده در دو بُعد حوزه قلمرو قدرت و شیوه اعمال قدرت، میانگین ۱ نشان‌دهنده تقارن کامل است و هرچه این میزان به ۵ نزدیک‌تر می‌شود، نشان‌دهنده آن است که ساختار قدرت در خانواده به سمت مردسالاری نزدیک‌تر می‌شود. در بُعد تصمیم‌گیری طیف ۱ تا ۵ از ساختار کاملاً زن‌سالار تا ساختار کاملاً مردسالار را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، میانگین حوزه قلمرو قدرت ۲,۵۳ و شیوه اعمال قدرت ۲,۶۹ برای کل نمونه به دست آمده است و این میانگین‌ها نشان‌دهنده عدم تقارن است. همچنین در بُعد تصمیم‌گیری میانگین کل نمونه ۳,۲ به دست آمده است که باتوجه به اینکه از مقدار ۳ بیشتر است، نشان‌دهنده ساختار قدرت مردسالارانه در این بُعد نیز می‌باشد. به‌طور کلی میانگین‌های ارائه‌شده در جدول ۸ نشان می‌دهد که بدبینی اجتماعی در جامعه مطالعه‌شده وجود دارد (میانگین برای کل جامعه حدود ۳,۳۶) و ابعاد ساختار قدرت در خانواده عدم

^۱ لازم به توضیح است که نتایج آزمون‌های آماری انجام‌شده در این خصوص در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی بدبینی اجتماعی با تأکید بر نقش تعدیلگری طبقه اجتماعی در شهر اصفهان»، ترک‌لادانی، زهرا، دانشگاه اصفهان ارائه شده است.



شکل ۲- مدل ساختاری

Fig 2- Structural Model



شکل ۳- مدل ساختاری (بدون نشان دادن ابعاد متغیرها) برای طبقات اجتماعی

Fig 3- Structural Models for social classes

جدول ۹- ضرایب رگرسیون و نواحی بحرانی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی

Table9- Regression coefficients and critical regions for examining the impact of family power structure on social cynicism

ناحیه بحرانی	ضرایب رگرسیون استاندارد	بُعد عینی طبقه اجتماعی
۴,۸۶۳	۰,۳۵	Gamma (کل نمونه)
۰,۹۸۷	۰,۰۸	Gamma1 (طبقه پایین)
۳,۳۱	۰,۴۲	Gamma2 (طبقه متوسط)
۲,۷۹۳	۰,۴	Gamma3 (طبقه بالا)

می‌دهد که در طبقه پایین اثر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی معنادار نیست؛ ولی در طبقات متوسط و بالا این اثر معنادار است. در جدول (۱۲) نواحی بحرانی مقایسه ضریب تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی در طبقات اجتماعی مختلف ارائه شده است.

همان‌گونه که در شکل (۳) نشان داده شده است، ضریب تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی در طبقات مختلف، متفاوت است. در طبقه پایین این ضریب بسیار کم (۰,۰۸) برآورد شده است. در طبقه متوسط مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد ۰,۴۲ و در طبقه بالا ۰,۴ برآورد شده است. مقدار ناحیه بحرانی برای ضریب به‌دست‌آمده نشان

جدول ۱۰- ناحیه بحرانی برای بررسی معناداری تفاوت بین پارامترها

Table 10- Critical region for testing the significance of differences between parameters

Gamma3	Gamma2	Gamma1	Gamma
			۰,۰۰۰ Gamma
		۰,۰۰۰	۲,۰۶۱ Gamma1
	۰,۰۰۰	۲,۳۵۱	-۱,۱۱۳ Gamma2
۰,۰۰۰	-۰,۸۸۶	۱,۶۳۸	-۰,۱۱۶ Gamma3

ساختاری/ارتباطی کمپر روابط مبتنی بر قدرت و منزلت، منجر به تولید احساسات متفاوتی در افراد می‌شود. ساختار اجتماعی عبارت است از آرایش عمودی کنشگران نسبت به یکدیگر در طول ابعاد ارتباطی قدرت و منزلت. قدرت ماهیتی الزام‌آور دارد و ماهیت ارتباط را به گونه‌ای شکل می‌دهد که یک کنشگر بر دیگری مسلط باشد و او را در کنترل خویش درآورد؛ بنابراین، در ارتباط بین افراد و نهادهای اجتماعی با توجه به قدرت بیشتر نهادها به دلیل اعمال قوانین و الزام افراد به تبعیت از ساختار، افراد جامعه جایگاه فرودست و نهادها جایگاه فرادست می‌یابند (برای مثال الزام به اخذ مجوز از نهادها برای انجام بسیاری از امور، الزام به پرداخت پول در ازای خدماتی بالاچار با عناوین مختلف و اعمال آن به همه افراد و...). از طرف دیگر نظریه کالینز اذعان داشت که موضع قدرت انرژی احساسی بیشتر برای افراد دارد و معمولاً انرژی احساسی در افرادی کاهش می‌یابد که در موضع فرودست هستند و انرژی احساسی کم منجر به احساساتی نظیر افسردگی، دستپاچگی و از خود بیگانگی می‌شود که این‌گونه احساسات مقارن با بدبینی هستند؛ بنابراین، افراد عموماً به نهادها بدبینی بیشتری دارند تا به افراد یا گروه‌ها؛ زیرا هیچ

اثر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی در طبقه بالا در مقایسه با طبقه پایین و متوسط تفاوت معناداری نشان نداده است؛ ولی ناحیه بحرانی مقایسه Gamma1 و Gamma2 بیش از ۱,۹۶ است؛ بنابراین، نتیجه می‌شود که رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی در طبقات پایین و متوسط متفاوت است. این بدان معناست که طبقه اجتماعی نقش متغیر تعدیلگر در رابطه ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی دارد.

نتیجه

هدف مقاله حاضر تبیین نظری و تجربی مدل رابطه بدبینی اجتماعی و ساختار قدرت در خانواده و با در نظر گرفتن طبقه اجتماعی به عنوان متغیر تعدیلگر این رابطه بود. بدبینی اجتماعی در جامعه مطالعه شده ۳,۳۵۶ و نشان‌دهنده میزان درخور توجه بدبینی اجتماعی بود. در بُعد فردی و گروهی بدبینی اجتماعی وجود نداشت؛ ولی در بُعد بین فردی حدود ۳,۴ و در بُعد نهادی حدود ۴ به دست آمد که این مقادیر نشان‌دهنده بیشترین میزان بدبینی در بُعد نهادی است. همان‌گونه که در چارچوب نظری آورده شد، بنا به نظریه

گروه یا فردی به‌طور معمول به اندازه یک نهاد، قدرت کنترل و الزام بر افراد ندارد. ترنر نیز انتظارات افراد از موقعیت‌ها را در شکل‌گیری احساسات آنان مؤثر می‌داند. باتوجه‌به بدبینی اجتماعی زیاد در بُعد نهادی به نظر می‌رسد شهروندان به نهادهای رسمی بی‌اعتماد هستند و بنا به نظریه ترنر این بدان معناست که انتظارات شهروندان از این نهادها برآورده نشده است. ووردن (2016) نیز ریشه‌های اقتصادی و سیاسی بدبینی اجتماعی را در انتظارات و ارزیابی‌های شهروندان از برخی استانداردها عنوان کرده بود. پژوهش جلالی‌پور و عزیزی‌مهر (۱۳۹۶) نشان داده است که طبقات مختلف اجتماعی وجود نابرابری را در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند؛ ولی موفقیت برخی از افراد را بدون داشتن استحقاق آن بی‌عدالتی قلمداد کرده‌اند. همه طبقات بر این باور بوده‌اند که امروزه تعاملات شکل‌آوری پیدا کرده و این وضعیت را نکوهش کرده‌اند و خواهان جامعه اخلاقی مبتنی بر اعتماد بوده‌اند؛ ولی رسیدن به چنین جامعه‌ای را وظیفه دولت دانسته‌اند و این انتظار از دولت می‌تواند مصداقی از انتظار برآورده‌نشده شهروندان از نهادهای رسمی باشد.

ساختار قدرت در خانواده در سه بُعد حوزه قلمرو قدرت، تصمیم‌گیری و شیوه اعمال قدرت نشان‌دهنده عدم تقارن ساختار قدرت در خانواده در جامعه مطالعه‌شده بود. بنا به نظریه منابع، قدرت در خانواده از آن کسی است که از منابع مادی بیشتری بهره‌مند است. به نظر می‌رسد از آنجاکه به اقتضای فرهنگ و قوانین، مردان از منابع بیشتری برخوردار هستند و باتوجه‌به نقشی که مردان در تأمین اقتصادی خانواده دارند، از قدرت بیشتری در خانواده برخوردارند.

نتایج بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی مؤید این فرضیه بود که ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی تأثیرگذار است؛ به بیانی دیگر هرچه ساختار قدرت در خانواده نامتقارن‌تر باشد، بدبینی اجتماعی در بین اعضای آن خانواده بیشتر مشهود است. نظریه کمپر و کالینز تبیین‌کننده این موضوع هستند. خانواده نامتقارن باعث ایجاد روابط طولی در بین اعضا می‌شود. به‌نحوی که یکی از

اعضا که از منابع بیشتری برخوردار است، دارای قدرت بیشتری خواهد بود و در نتیجه توانایی اعمال قدرت بر سایر اعضای خانواده را دارد و سایر اعضای خانواده در جایگاه فرو دست از این فرد قرار می‌گیرند و بنا به نظریه کمپر مستعد بدبینی اجتماعی بیشتری هستند؛ به عبارت دیگر افراد فرو دست در رابطه‌ای طولی انرژی احساسی کمتری را تجربه می‌کنند و زمینه ایجاد بدبینی اجتماعی زیاد در آنها بیشتر است.

مقایسه رابطه ساختار قدرت در خانواده و بدبینی اجتماعی در طبقات اجتماعی مختلف نشان داد که ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی در طبقه متوسط و بالا تأثیر معنادار دارد؛ به بیانی دیگر در طبقه متوسط و بالا هرچه ساختار خانواده نامتقارن‌تر باشد، اعضای آن خانواده بدبینی اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند؛ ولی در طبقه پایین، معناداری رابطه بین این دو متغیر تأیید نشد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی اجتماعی در طبقات مختلف متفاوت بود و معناداری این تفاوت مؤید نقش تعدیلگری طبقه در رابطه این متغیرها بود.

چنین به نظر می‌رسد که در طبقه پایین عوامل تأثیرگذار دیگری بر بدبینی وجود دارند که می‌توانند اثر ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی را تحت‌الشعاع قرار دهند؛ به عبارتی عواملی وجود دارد که در خانواده‌های طبقه پایین، حتی با ساختار نسبتاً متقارن، باعث افزایش بدبینی اجتماعی می‌شود.

افراد طبقه پایین، از آن جهت که در ساختار طولی جامعه از نظر قدرت و منزلت در جایگاه پایین‌تری قرار می‌گیرند، مستعد کاهش انرژی احساسی هستند و احساساتی مانند بی‌عدالتی، محرومیت و ... را بیش از سایر طبقات تجربه می‌کنند و این احساسات مقارن با بدبینی هستند؛ بنابراین، بدون در نظر گرفتن متغیری چون ساختار قدرت در خانواده، تعلق به طبقه پایین در افراد می‌تواند زمینه‌ای برای افزایش بدبینی اجتماعی شود و از این‌رو نقش ساختار قدرت در خانواده بر بدبینی کم‌رنگ می‌شود.

توصیه‌های سیاستی

و کاهش بدبینی اجتماعی افراد مؤثر باشد.

منابع فارسی

افشانی، ع.، و کبریایی، ش. (۱۳۹۸). از احساس بی‌عدالتی تا بدبینی اجتماعی: رنج مضاعف شهروندان. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰ (۲)، ۷-۲۷.

<https://doi.org/10.22059/ijsp.2020.77480>

امیر تیموری، م.، و منطری توکلی، ع. (۱۳۸۷). بررسی رابطه خوش‌بینی-بدبینی با رضایت از زندگی در بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر رابر سال ۱۳۸۸. زن و مطالعات خانوادگی، ۱ (۲)، ۹-۳۰.

<https://sanad.iau.ir/journal/jwsf/Article/519655?jid=519655>

بخشی‌پور، م.، آقاجانی، م.، کلدی، ع.، و حسینی، س. ع. (۱۳۹۸). الگوی توزیع قدرت در خانواده و طبقه اجتماعی زنان متأهل شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۱۹ (۷۴)، ۹-۴۵.

<https://civilica.com/doc/1839670>

پیرک، م. (۱۳۹۷). تحلیل طبقاتی تغیز الگوی گذران اوقات فراغت در فضای شهری تحت تأثیر فضای مجازی در اصفهان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. دانشگاه اصفهان.

جلایی‌پور، ح.، و عزیزی‌مهر، خ. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی ارزش‌های طبقاتی در ایران. مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۴ (۲)، ۳۱۹-۳۴۶.

<https://doi.org/10.22059/jsr.2018.65468>

خادمیان، ط. (۱۳۸۷). سبک زندگی و مصرف فرهنگی. جهان کتاب.

دارندورف، ر. (۱۳۹۳). انسان اجتماعی (ضیا تاج‌الدین، مترجم). قطره.

دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری مرکز رصد اجتماعی وزارت کشور (۱۳۹۵). یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج سوم (۱۳۹۴) (شماره ۲۸۳۶۲۵). نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

<https://ircud.ir/fa/content/283625>

دورکیم، ا. (۱۳۸۹). خودکشی (نادر سالارزاده امیری، مترجم).

نتایج پژوهش نشان داد که شهروندان اصفهان در ابعاد بین فردی و نهادی، بدبینی اجتماعی زیادی دارند و این موضوع می‌تواند بر زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر بگذارد و کاهش اعتماد و در نتیجه سرمایه اجتماعی را در بر داشته باشد؛ بنابراین، متولیان امور فرهنگی این شهر در راستای افزایش سرمایه اجتماعی ضرورت دارد که بدبینی اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن را مد نظر قرار دهند و به‌منظور کاهش بدبینی اجتماعی برنامه‌های فرهنگی مناسب را با در نظر داشتن موارد زیر در شهر اصفهان اجرا کنند:

۱- باتوجه به بدبینی اجتماعی بیشتر در طبقات پایین سیاست‌گذاری در راستای کاهش شکاف طبقاتی در شهر اصفهان امری ضروری است. این سیاست‌گذاری‌ها به‌منظور کاهش نابرابری‌های اجتماعی می‌تواند با ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم در مناطق کم‌برخوردار و اجرای برنامه‌های آموزشی- فرهنگی مناسب در راستای کاهش بدبینی اجتماعی به‌ویژه در سطح فردی و گروهی عمل کند.

۲- در این پژوهش نشان داده شد که ساختار قدرت در خانواده، متغیری تأثیرگذار بر میزان بدبینی اجتماعی افراد است و هرچه این ساختار متقارن‌تر باشد، میزان بدبینی اجتماعی کمتر می‌شود؛ بنابراین، باتوجه به غالب‌بودن ساختار مردسالارانه در خانواده‌های شهر اصفهان و به‌ویژه در افراد متعلق به طبقات پایین‌تر، اجرای برنامه‌های فرهنگی مناسب در زمینه آموزش‌های خانواده و آموزش‌های پیش از ازدواج در راستای آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها و افرادی که قصد تشکیل خانواده دارند، می‌تواند تأثیری هرچند در درازمدت بر تغییر نگرش‌های افراد و کاهش بدبینی اجتماعی داشته باشد.

۳- نتایج این تحقیق نشان داد که در بُعد نهادی بدبینی اجتماعی زیادی در تمام طبقات اجتماعی وجود دارد؛ بنابراین، کاهش این بُعد از بدبینی اجتماعی مستلزم برنامه‌های مؤثر نهادها (به‌ویژه نهادهای دولتی) در زمینه ارتباط با جامعه است. اطلاع‌رسانی‌های مناسب توسط نهادها، شفاف‌سازی، تکریم ارباب‌رجوع، پاسخ‌گویی مناسب به شکایت‌ها و اصلاح رویه‌ها و فرایندها می‌تواند در جهت بالابردن اعتماد به نهادها

دانشگاه علامه طباطبائی.

دهقانی، ح. (۱۳۹۸). تیپولوژی مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم.

جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۲)، ۱۱۷-۱۳۶.

<https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472>

ربانی خوراسگانی، ع.، و کیانپور، م. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی

احساسات. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰(۲)، ۳۵-۶۴.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.20085745.1388.20.2.2.6>

رایت، ا. ا. (۱۳۹۵). رویکردهایی به تحلیل طبقاتی (یوسف صفاری، مترجم). لاهیتا.

روشه، گ. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز

(عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). چاپ چهارم، تیان.

ساروخانی، ب.، و دودمان، ل. (۱۳۸۹). ساختار قدرت

در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر

شیراز. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۹.

<https://sid.ir/paper/170142/fa>

ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده.

سروش.

شلمر، م. (۱۳۸۸). کین توزی. (طالح نجفی و جواد گنجی،

مترجم). ثالث.

شکرریز، ج. (۱۳۹۸). طراحی الگوی بدینی سازمانی

دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور شهرستان کاشان

[رساله دکتری منتشر نشده]. دانشگاه اصفهان.

شمس قهقرخی، ف.، عسگری ندوشن، ع.، عینی زنیاب، ح.،

روحانی، ع.، و عباسی شوازی، م. (۱۴۰۱). در دوراهی

تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و

اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر

اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۴)، ۱-۲۸.

<https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269>

عسگری ندوشن، ع.، جهانگیر، ن.، و نوریان نجف‌آبادی، م.

(۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه طبقه اجتماعی و ساختار قدرت

خانواده در شهر اصفهان. علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد

شوشتَر)، ۱۶، ۱۸۷-۲۱۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1083825>

فراستخواه، م. (۱۳۹۵). ما ایرانیان (زمینه واکاوی تاریخی و

اجتماعی خلیات ایرانی). نی.

کیانپور، م.، و آقابابایی، ا. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی احساسات.

دانشگاه اصفهان.

گروسی، س. (۱۳۸۷). بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های

شهرستان کرمان. مطالعات زنان، ۶(۲)، ۷-۲۵.

<https://sid.ir/paper/441298/fa>

گروویچ، ژ. (۱۳۵۷). مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی (باقر

پرهام، مترجم). امیرکبیر.

لوید، پ. (۱۳۸۱). تهدیدات شهری یا طبقه کارگر (حسینعلی

نوذری، مترجم). قطره.

مردانی، م.، و موحد، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر

جایگاه زنان در ساختار قدرت نهاد خانواده

(نمونه موردی: زنان متأهل شهر شیراز).

جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۳(۸)، ۴۳-۷۱.

<https://doi.org/10.22080/ssi.2017.1421>

مرکز ملی رصد اجتماعی کشور (۱۳۹۴). طرح ملی سنجش

سرمایه اجتماعی: استان اصفهان. پژوهشگاه فرهنگ، هنر

و ارتباطات.

موسوی‌زاده، م.، نوربخش، ک.، میرزایی، و. ر.، و صفرزاده، ح.

(۱۴۰۲). طراحی الگوی عوامل مؤثر بر بدینی

مصروف‌کننده در صنعت خودروسازی با رویکرد

فرا ترکیب. تحقیقات بازاریابی نوین، ۱۳(۱)، ۱۷-۴۶.

<https://doi.org/10.22108/nmrj.2023.136162.2828>

مهدوی، م. ص.، و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی

ساختار توزیع قدرت در خانواده. مطالعات زنان، ۱(۲)،

۶۸-۲۷. <https://sid.ir/paper/66083/fa>

ناستی‌زایی، آ.، و رئیس، ن. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین بدینی

سازمانی و رفتار ضدشهروندی سازمانی با نقش میانجی

حسادت سازمانی. مشاوره شغلی و سازمانی، ۱۱(۳۸)،

۱۳۶-۱۱۷.

<https://doi.org/10.29252/jcoc.11.1.117>

References

- Askari-Nodoushan, A., Jahangir, N., & Norian-Najafabadi, M. (2012). The study of relationships between social class and power structure in the family (The case study in Esfahan city). *Social Scieence (Azad University of Shoshtar)*, 16, 187-

- and explanatory style [Doctoral dissertation, University of Cincinnati]. Ohiolink. http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=ucin1019069421
- Garossi, S. (2008). A study of the power structure in families in Kerman city. *Women's Studies*, 6(2), 7-25. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/441298/fa>
- Goldthorpe, J. H. (2000). *On sociology: Numbers, narratives and the integration of research and theory*. Oxford.
- Gurvitch, G. (1979). *Etudes sur les classes sociales* (B. Parham, Trans.). Amir Kabir. [In Persian].
- Ivanova, K., & Balbo, N. (2024). Societal pessimism and the transition to parenthood: A future too bleak to have children?. *Population and Development Review*, 50(2), 323-342. <https://doi.org/10.1111/padr.12620>
- Jalaeipour, H., & Azizimehr, K. (2017). Sociological analysis of class values in Iran. *Sociological Studies (Scientific-Research)*, 24(2), 319-346. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/1839670>
- Khademian, T. (2009). *Lifestyle and cultural consumption*. Jahan Book. [In Persian].
- Kianpour, M., & Aqababae, E. (2017). *Sociology of emotions*. Isfahan University. [In Persian].
- Li, F., & Leung, K. (2012). Effects of evaluation of societal conditions and work-family conflict on social cynicism and distress: A longitudinal analysis. *Journal of Applied Social Psychology*, 42(3), 717-734. <https://doi.org/10.1111/j.1559-1816.2011.00816.x>
- Leung, K., Ip, O. K. M., & Leung, K. K. (2010). Social cynicism and job satisfaction: A longitudinal analysis. *Applied Psychology*, 59(2), 318-338. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.2009.00392.x>
- Leung, K., & Bond, M. H. (2004). Social axioms: A model for social beliefs in multicultural perspective. *Advances in Experimental Social Psychology*, 36, 119-197. [https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S0065-2601\(04\)36003-X](https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S0065-2601(04)36003-X)
- Leung, K., Li, F., & Zou, F. (2012). Sex differences in social cynicism across societies the role of men's higher competitiveness and male dominance. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 43(7), 1152-1166. <https://doi.org/10.1177/0022022111422259>
- Lloyd, P. (2002). *Urban poor or working class* (H. A. Nozari, Trans.). Ghatreh. [In Persian].
- Mardani, M., & Movahed, M. (2016). Study on determinants of women's status in power structure of family. *Sociology of Social Institutions*, 3(8), 43-71. [In Persian]. <https://doi.org/10.22080/ssi.2017.1421>
- Mahdavi, M. S., & Sabouri-Khosrowshahi, H. (2003). Investigating the structure of power distribution in the family. *Women's Studies*, 1(2), 27-68. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/66083/fa>
- Mousavizadeh, M., Nourbakhsh, K., Mirzaei, V., & Safarzadeh, H. (2023). Designing a model of 216. [In Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1083825>
- Afshani, A., & Kebriyaei, S. (2020). From feelings of injustice to social pessimism: Citizens' double suffering. *Journal of Social Problem of Iran*, 10(2), 7-27. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2020.77480>
- Amirteimouri, M., & Manzari-Tavakoli, A. (2009). Investigating the relationship between optimism and pessimism with life satisfaction among women Employed and housewife in Raber city. *Woman and Family Study*, 1(2), 9-30. [In Persian]. <https://sanad.iau.ir/journal/jwsf/Article/519655?jid=519655>
- Alexandra, V., Torres, M. M., Kovbasyuk, O., Addo, T. B. A., & Ferreira, M. C. (2017). The relationship between social cynicism belief, social dominance orientation, and the perception of unethical behavior: A cross-cultural Examination in Russia, Portugal, and the United states. *Journal of Business Ethics*, 146, 545-562. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10551-015-2925-5>
- Bakhshipour, M., Aghajani, M., Kaldi, A., & Hosseini, C. (2019). The pattern of power distribution in family and social class of married women in Tehran. *Social Welfare Quarterly*, 19(74), 9-45. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/1839670>
- Bates, K., Bader, C. D., & Menken, F. C. (2003). Family structure, power-control theory and deviance: Extending Power-control theory to include alternate family forms. *Western Criminology Review*, 4(3), 170-190. <https://www.researchgate.net/publication/251312465>
- Blood, R. O., & Wolf, D. M. (1960). *Husband and Wives: The dynamics of married living*. Gellencoe Illinois: The Free Press.
- Boehnke, K. (2009). *Are parents decisive? The inter generational transmission of social Axioms Under conditions of rapid social change*. In K. Leung, M. H. Bond (Eds.), *Psychological Aspects of Social Axioms* (pp. International and Cultural Psychology, Springer. https://doi.org/10.1007/978-0-387-09810-4_7
- Dahrendorf, R. (2014). *Homo sociologous* (Z. Tajoddin, Trans.). Ghatreh. [In Persian].
- Dehghan, H. (2019). Urban typology focusing on the social pathologies in super wicked neighborhoods of fifteen areas of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 30(2), 117-136. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472>
- Durkheim, E. (2009). *Suicide* (N. Salarzadeh-Amiri, Trans.). Allameh Tabatabaei University Press.. [In Persian]. https://book.atu.ac.ir/book_54.html
- Ferastkhah, M. (2016). *We Iranians: A historical and social contextualizing of Iranian ethos*. Ney. [In Persian]. <https://nashreney.com/product/>
- FitzGerald, M. R. (2002). Organizational cynicism: Its relationship to perceived organizational injustice

- Stavrova, O., & Ehlebracht, D. (2016). Cynical beliefs about human nature and income: Longitudinal and cross-cultural analyses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 110(1), 116-132. <https://doi.org/10.1037/pspp0000050>
- Steenvoorden, E. H. (2016). *Societal pessimism: A Study of its conceptualization, causes, correlates and consequences*. University of Amsterdam. <https://hdl.handle.net/11245/1.533021>
- Steenvoorden, E., & Haeteveeld, E. (2018). The appeal of nostalgia: The influence of societal pessimism on support for populist radical right parties. *West European Politics*, 41(1), 28-52. <https://doi.org/10.1080/01402382.2017.1334138>
- Vignoli, D., Guetto, R., Bazzani, G., Pirani, E., & Minello, A. (2020). A reflection on economic uncertainty and fertility in Europe: The narrative framework. *Journal of Population Sciences*, 76(28), 1-27. <https://doi.org/10.1186/s41118-020-00094-3>
- Wright, E. O. (2016). *Approaches to class analysis* (Y. Saffari, Trans.). Lahita. [In Persian].
- factors affecting consumer pessimism in the automotive industry with a meta-synthesis approach. *Modern Marketing Research*, 13(1), 17-46. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/nmrj.2023.136162.2828>
- National Projects Office of the Ministry of Culture and Islamic Guidance in Cooperation with the Social Monitoring Center of the Ministry of Interior. (2016). *Findings of the National Survey of Iranian Values and Attitudes, Third Wave 2015*. Culture, Art and Communication Research Institute [In Persian].
- National Social Monitoring Center. (2015). *National social capital measurement plan: isfahan province, detailed report*, November 2015, Culture, Art and Communication Research Institute Publication. [In Persian].
- Nastizaei, A., & Raisi, N. (2019). Investigating the relationship between organizational pessimism and organizational anti-citizenship behavior with the mediating role of organizational jealousy. *Journal of Career and Organizational Counseling*, 11(38), 117-136. [In Persian]. <https://doi.org/10.29252/jcoc.11.1.117>
- Pirak, M. (2018). *Class analysis of changing patterns of spending leisure time in urban space under the influence of figurative space in Isfahan* [Unpublished master's Thesis]. Isfahan University. [In Persian].
- Rabbani-Khorasgani, A., & Kianpour, M. (2009). Sociology of emotions. *Applied Sociology*, 2(2), 35-64. [In Persian]. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20085745.1388.20.2.2.6>
- Rocher, G. (2012). *Talcott parsons' sociology* (A. Nikgozar, Trans., 4th ed.). Tehran: Tebyan Publishing. [In Persian].
- Sarukhani, B., & Dodman, L. (2010). Power structure in the family and its impact on social participation in Shiraz City. *Specialized Journal of Sociology*, 1(1), 105-129. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/170142/fa>
- Sarukani, B. (1991). *Sociology of family*. sorush. [In Persian].
- Scheler, M. (2009). *Ressentiment* (T. Najafi & J. Ganji, Trans.). Tehran: Sales Publishing. [In Persian].
- Shams-Ghahfarokhi, F., Asgari-Nodoushan, A., Eini-Zinab, H., Ruhani, A., & Abbasi-Shavazi, M. (2023). At the crossroad of decision to have children: An analysis of individual and social childbearing challenges in the context of low fertility in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 1-28. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269>
- Shekriz, J. (2019). *Designing a model of organizational cynicism in public, Azad, and Payame Noor Universities in Kashan County (Unpublished doctoral dissertation)*. University of Isfahan, Isfahan, Iran. [In Persian].